

تحلیل تفسیری آیه «مَنْ اعْتَرَفَ عُرْفَةً بِيَدِهِ»

از دیدگاه علامه طباطبایی و حرّالی اندلسی با تأکید بر اختلاف قرائت

روح‌الله محمدعلی نژاد عمران*

حسام امامی دانالو**

چکیده

اختلاف قرائت‌ها در برخی از کلمات قرآن کریم، سبب اختلاف دیدگاه مفسران شده است. در آیه ۲۴۹ سوره بقره داستان سربازان طالوت در مواجهه با آزمایش الهی و نوشیدن آب از رود حکایت می‌شود. کلمه «عُرْفَه» در این آیه به دو صورت «عُرْفَه» و «عَرْفَه» قرائت شده و در پژوهش پیش‌رو آراء تفسیری علامه طباطبایی و حرّالی اندلسی در این باره و احتجاج‌های مربوط به هر قرائت، با نگاهی تحلیلی ارزیابی شده است. حاصل آنکه دیدگاه علامه طباطبایی در ترجیح قرائت «عُرْفَه» صحیح است. ایشان با نکته‌سنجی، آزمایش‌شوندگان را به سه طایفه تقسیم کرده‌اند: کسانی که اصلاً آب ننوشیدند؛ کسانی که سیراب شدند و کسانی که آب نوشیدند، اما نه به حدّ سیراب شدن. از این سه گروه تنها گروه دوم از جمع پیروان طالوت خارج شدند و سرنوشت گروه سوم به آزمایش‌های دیگر گره خورده است.

واژگان کلیدی

آیه ۲۴۹ بقره، عُرْفَه، اختلاف قرائت، علامه طباطبایی، حرّالی اندلسی.

alinejad@atu.ac.ir

*. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول).

h.emamidanaloo@atu.ac.ir

** دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبائی.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۴

طرح مسئله

در قسمتی از سوره بقره داستان حرکت طالوت و همراهانش برای مقابله با جالوت گزارش شده است، چنان که می‌فرماید:

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنْ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهَ كَمَا مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةً غَلَبَتْ فِتْنَةٌ كَثِيرَةٌ يَأْذِنُ اللَّهُ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ. (بقره / ۲۴۹)

و چون طالوت با لشکریان [خود] بیرون شد، گفت: «خداوند شما را به وسیله رودخانه‌ای خواهد آزمود. پس هر کس از آن بنوشد از [پیروان] من نیست و هر کس از آن نخورد، قطعاً او از [پیروان] من است، مگر کسی که با دستش کفی بگیرد. پس [همگی] جز اندکی از آنها، از آن نوشیدند و هنگامی که [طالوت] با کسانی که همراه وی ایمن آورده بودند، از آن [نهر] گذشتند، گفتند: «امروز ما را یاری [مقابله با] جالوت و سپاهیان نیست.» کسانی که به دیدار خداوند یقین داشتند، گفتند: «بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار، به اذن خدا پیروز شدند، و خداوند با شکیبایان است.»

بر پایه این آیه، طالوت به سربازان خود می‌گوید که خداوند قصد دارد آنان را با رودی که بر سر راه آنان قرار دارد، آزمایش کند. جالب توجه آنکه پیش از مواجهه با رود، طالوت به سربازان می‌گوید که نحوه آزمایش چگونه خواهد بود. توضیح آنکه اگر آنان از آب آن رود بیاشامند از پیروان طالوت نخواهند بود و اگر نیاشامند آنگاه مشخص می‌شود که آنان از پیروان طالوت هستند. اما گروه سومی هم در این میان استثنا شده‌اند و آنان کسانی هستند که به اندازه «غرفه» از آب آن رود می‌نوشند. اینکه میزان «غرفه» چه قدر است، پرسشی است که پژوهش حاضر به دنبال آن است. مفسران قرآن کریم با توجه به اختلاف قرائت واژه «غرفه» نکات گوناگونی را از آن برداشت کرده‌اند. در این میان دو تن از مفسران شناخته‌شده؛ یعنی علامه طباطبایی و حرالی اندلسی با توجه به اختلاف قرائت موجود در این واژه برداشت خاصی را از این آیه تبیین کرده‌اند و بر این اساس در پژوهش حاضر برای پاسخ به پرسش اصلی، دیدگاه علامه طباطبایی و حرالی اندلسی در تفسیر این آیه مقایسه و تحلیل می‌شود.

درباره ادبیات موضوع می‌توان گفت پیش از این مقاله «بررسی زبان‌شناختی قرائت واژه «غرفه» در آیه «إِلَّا مَنْ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ» نوشته زهرا قاسم‌نژاد و روح‌الله نصیری در دوفصلنامه علمی

پژوهشی پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن در سال ۱۳۹۴ منتشر شده است. نویسندگان در این مقاله فرضیه اثرپذیری آراء لغت‌پژوهان از بیانات قاریان قرآن کریم را ارزیابی کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که دلیل علمی و مستدلی برای تأیید وجوه قرائی درباره این واژه وجود ندارد. همچنین در زمینه معرفی پیشینه می‌توان به مقالات و کتب متعدد اختلاف قرائت اشاره کرد؛ برای مثال در مقاله «تأثیر سیاق در ترجیح قرائات در تفسیر طبری» نوشته محمدرضا ستوده‌نیا و زهرا قاسم‌نژاد در دوفصلنامه علمی - پژوهشی **مطالعات قرآن و حدیث** سال ۱۳۹۲ ضمن معرفی دیدگاه طبری ذیل آیات گوناگون به اختلاف قرائت کلمه «غرفة» اشاره شده است و دیدگاه او در ترجیح قرائت مربوط به آن گزارش شده است؛ اما در هیچ‌یک از این مقاله‌ها به اثر اختلاف قرائت این واژه در تفسیر حرّالی اندلسی و علامه طباطبایی و دریافت‌های بدیع و نیز متفاوت تفسیری ایشان اشاره نشده است. روش گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر کتابخانه‌ای و برای استناد داده‌ها، از شیوه اسنادی استفاده شده است. همچنین در تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوا از نوع توصیفی - تحلیلی پیروی شده است. روند انجام پژوهش حاضر به این شکل است که در آغاز اختلاف قرائت موجود در میان قاریان قرآن کریم مربوط به این آیه گزارش می‌شود و سپس مفهوم لغوی و اصطلاحی «غرفة» با توجه به اختلاف قرائت آن تبیین می‌شود و آنگاه معنای تفسیری آیه با توجه به اختلاف قرائت این واژه که از سوی علامه طباطبایی و حرّالی اندلسی ارائه شده است، تحلیل می‌شود، تا در نهایت ضمن مقایسه دیدگاه این دو مفسر تبیین جامعی از این بخش از آیه مذکور ارائه شود.

محتوای آیات پیرامونی آیه مورد بحث

در ضمن آیات ۲۴۶ تا ۲۵۲ سوره بقره داستان یکی از اولیای الهی به نام طالوت تبیین شده است. این داستان بخش‌های مختلفی دارد؛ نظیر درخواست بنی‌اسرائیل برای گماشته شدن فرماندهی برای جهاد در راه خدا، انتخاب شدن طالوت به‌عنوان فرماندهی سربازان، ظهور تابوت به‌عنوان نشانه حقانیت فرماندهی او و مقابله سربازان او با دشمنان. طالوت یکی از فرماندهان لشکر در زمان حضرت اشموئیل نبی علیه السلام بود و به دستور او فرماندهی سپاه را برای مقابله با جالوت برعهده گرفت. (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲ / ۲۳۴ - ۲۳۰)

تبیین اختلاف قرائت «غرفة»

از میان کلمات موجود در آیه ۲۴۹ سوره بقره، تنها درباره کلمه «غرفة» در عبارت «... إِنَّ اللَّهَ

مُبْتَلِكُمْ يَنْهَرُ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنْ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ...» اختلاف قرائت گزارش شده است و آن به دو شکل «غُرْفَةً» یعنی به رفع حرف غین و «غَرَفَةً» یعنی به فتح حرف غین قرائت شده است. (ر.ک: ابن خالویه، ۱۴۲۱: ۹۹) عاصم، ابن عامر، حمزه و کسائی از میان قاریان هفتگانه این کلمه را به رفع غین؛ یعنی به صورت «غُرْفَةً» و ابن کثیر، نافع و ابوعمر و از میان قاریان هفتگانه این کلمه را به فتح غین؛ یعنی به صورت «غَرَفَةً» قرائت کرده‌اند. (ازهری، ۱۴۲۰: ۸۲؛ فارسی، ۱۴۱۳: ۲ / ۳۵۰؛ اهوازی، ۲۰۰۲: ۱۴۰)

مفهوم‌شناسی

۱. واژه «غُرْفَةً» در لغت

مصدر «الْغَرْفُ» و اسم‌های «الْغُرْفَةُ / الْعُرْفَةُ / غُرُوفٌ / غَرْفِيَّةٌ / غَرَّافٌ / الْغَرْيْفُ» همگی از این ریشه هستند. «الْغَرْفُ» به چند معناست:

۱. به معنای «برداشتن آب با دست» است (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۰۹: ۴ / ۴۰۶)؛ با توجه به این معنا کلمه «الْغُرْفَةُ» به صورت اسمی به معنای «میزان برداشتن آب» است، مانند «یک کف دست آب» (ر.ک: همان) و اگر آن را مصدر «مَرَّةً» بدانیم، آنگاه به معنای «یک مرتبه برداشتن آب» است. (ازهری، ۱۴۲۱: ۸ / ۱۰۹) «غَرْبٌ غُرُوفٌ» به معنای «دلوی است که در آن آب بسیار بگنجد» (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۰۹: ۴ / ۴۰۶) و «بَثْرٌ غُرُوفٌ» به معنای «چاه آبی است که دست به آب آن برسد» و «نهر غَرَّافٌ» به معنای «رود پر آب» است. (ر.ک: ابن درید، ۱۹۸۸: ۲ / ۷۷۹) «الْغَرْيْفُ» به معنای «آب در نيزار» است (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۰۹: ۴ / ۴۰۶؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۵ / ۶۶) و «مَعْرِفَةٌ» به معنای «ملاقه» (ر.ک: ابن درید، ۱۹۸۸: ۲ / ۷۷۹).

۲. به معنای «سرعت در دویدن» است (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۰۹: ۴ / ۴۰۶)؛ چنان که «فرس غَرَّافٌ» به معنای «اسبی که فاصله میان قدم‌هایش زیاد باشد» است. (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۰۹: ۴ / ۴۰۶؛ ابن درید، ۱۹۸۸: ۲ / ۷۷۹)

۳. «الْغَرْفُ» نام نوعی درخت است. همچنین «الْغُرْفَةُ» به معنای «طاق» یا «طاقک بالای خانه» است. (ر.ک: همان) چنان که در قرآن کریم می‌فرماید: «أُولَئِكَ يَجْزُونَ الْغُرْفَةَ يَمَا صَبَرُوا وَ يَلْقَوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَ سَلَامًا» (فرقان / ۷۵) و جمع آن «غُرَفٌ» است، مانند: «لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِنْ فَوْقِهَا غُرَفٌ مَبْنِيَةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعَدَّ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ الْمُبْعَادَ» (زمر / ۲۰)

برخی کلمه «عُرْفَةٌ» و «عُرْفَةٌ» را به یک معنا دانسته‌اند؛ (برای مثال ر.ک: ابن سکیّت، بی تا: ۱۱۴) اما برخی نیز میان «عُرْفَةٌ» و «عُرْفَةٌ» تفاوت قائل شده‌اند؛ برای مثال عسکری، بر آن است که «عُرْفَةٌ» به معنای «آبی که در دست قرار می‌گیرد» است، اما «عُرْفَةٌ» مصدر «فَعَلَةٌ» از «عُرِفَتْ» است. (ر.ک: عسکری، ۱۴۰۰: ۱۸۲) هم‌چنان که جوهری، در تفاوت معنای این دو گفته است: «عُرْفَةٌ» اسم مفعول «عُرِفَتْ» است. (ر.ک: جوهری، ۱۳۷۶: ۴ / ۱۴۱۰) او چنین توضیح داده است: «لأنك ما لم تُعْرِفَهُ لا تسميه عُرْفَةٌ» (همان) یعنی «تا زمانی که چیزی برای نوشیدن برداشته نشود به آن عُرْفَةٌ نمی‌گویند» ولی «عُرْفَةٌ» به معنای یک‌بار انجام دادن این کار است. (ر.ک: همان) به بیان دیگر «عُرْفَةٌ» به معنای یک‌بار نوشیدن آب است ولی «عُرْفَةٌ» نام آن چیزی است که نوشیده می‌شود. (ر.ک: ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴ / ۴۱۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۰۵؛ ابن سیده، ۱۴۲۱: ۵ / ۴۹۵؛ حمیری، ۱۴۲۰: ۸ / ۴۹۲۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۹ / ۲۶۳) بنابراین می‌توان چنین استنباط کرد که تفاوت قرائت در این واژه به مانند آن است که به قسمتی از غذا که برای خوردن و هنگام تناول کردن برداشته شده است «لُقْمَةٌ» گفته می‌شود یا مانند «خُطْوَةٌ» که به معنای «موضع قدم» یا «فاصله دو قدم» است، ولی «خُطْوَةٌ» به معنای «یک قدم» است؛ چنان که گفته می‌شود: «خَطُوتُ خُطْوَةٌ».

۲. واژه «عُرْفَةٌ» در اصطلاح

«عُرْفَةٌ» از ریشه «غ ر ف» است و در قرآن کریم از این ریشه به جز کلمه «عُرْفَةٌ» در آیه ۲۴۹ سوره بقره شش مرتبه دیگر به صورت‌های «اعْتَرَفَ» (بقره / ۲۴۹) «العُرْفَةَ» (فرقان / ۷۵) «عُرْفًا» (عنکبوت / ۵۸) «العُرْفَاتِ» (سبأ / ۳۷) - هر کدام یک بار و دو مرتبه به صورت - «عُرْفٌ» (زمر / ۲۰) به کار رفته است. از این میان مقصود از ماده «عُرْفٌ» در پنج مورد اخیر یعنی «العُرْفَةَ» (فرقان / ۷۵)، «عُرْفًا» (عنکبوت / ۵۸)، «العُرْفَاتِ» (سبأ / ۳۷) و - دو مرتبه - «عُرْفٌ» (زمر / ۲۰) پاداشی بهشتی است و در لغت به معنای «بنایی که از کف خانه بالاتر باشد»، «اطاق» یا «اطاقک بالای خانه» است (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۰۹: ۴ / ۴۰۶؛ ابن درید، ۱۹۸۸: ۲ / ۷۷۹) و می‌توان آن را کنایه از درجات بالاتر بهشتی دانست. (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۵ / ۲۴۵) جالب توجه آنکه از میان صورت‌های مختلف ماده «عُرْفٌ» در قرآن کریم - که ذکر آن گذشت - تنها در مورد «عُرْفَةٌ» در آیه ۲۴۹ سوره بقره اختلاف قرائت گزارش شده است.

سبب ترجیح قرائت «غُرْفَة»

قرائت «غُرْفَة» مشهورتر از قرائت دیگر است (ر.ک: ابن مجاهد، ۱۴۰۰: ۱۸۷؛ جزری، بی تا: ۲ / ۲۳۰) و در کتب حجت قرائات ادله زیر برای ترجیح آن تبیین شده است:

در تفسیر عبارت «إِلَّا مَنْ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ» چنین آمده است که «إِلَّا مَنْ اغْتَرَفَ كَفًّا مِنْ مَاءٍ» و بر این پایه کلمه «غُرْفَة» به «أَب» تفسیر شده است. بنابراین کلمه «غُرْفَة» باید به رفع غین قرائت شود؛ زیرا در لغت‌نامه‌ها «غُرْفَة» به معنای «أَب» است. (ر.ک: ابن زنجله، ۱۴۰۲: ۱۴۰) کسای، از میان قاریان هفت‌گانه این کلمه را «غُرْفَة» قرائت کرده است و سبب آن را وجود فعل «اغْتَرَفَ» در این آیه می‌داند و گفته است که اگر به‌جای آن فعل «غُرْفَ» بود، آنگاه این کلمه را با فتح غین؛ یعنی به صورت «غُرْفَة» قرائت می‌کرد؛ زیرا «غُرْفَ» نشان می‌دهد که باید «غُرْفَة» را مصدر فعلة دانست (ر.ک: ازهری، ۱۴۲۱: ۸ / ۱۰۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۹ / ۲۶۳؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۲ / ۴۰۸).

عبارت «فَشْرَبُوا مِنْهُ» در «إِلَّا مَنْ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرَبُوا مِنْهُ» دلالت بر مطلق نوشیدن آب دارد و بنابراین باید کلمه «غُرْفَة» به رفع غین قرائت شود تا معنای «أَب» داشته باشد. (مکی بن حموش، ۱۴۰۷: ۱ / ۳۰۴)

سبب ترجیح قرائت «غَرَفَة»

قرائت «غَرَفَة» نسبت به قرائت دیگر از شهرت کمتری برخوردار است. (ر.ک: ابن مجاهد، ۱۴۰۰: ۱۸۷؛ جزری، بی تا: ۲ / ۲۳۰) و در کتب حجت قرائات ادله زیر برای ترجیح آن تبیین شده است: کلمه «غَرَفَة» مصدر مره است و بر یک‌بار انجام شدن فعل دلالت می‌کند، مانند «ضَرَبْتُهُ ضَرْبَةً» یعنی «یک‌بار او را زدم» و از آنجا که مصدر است در این آیه به صورت منصوب؛ یعنی به‌عنوان مفعول مطلق به کار رفته است؛ زیرا مفعول به، در اینجا محذوف است و تقدیر آیه چنین خواهد بود: «إِلَّا مَنْ اغْتَرَفَ مَاءً غَرَفَةً» (ر.ک: ابن ابی مریم، ۱۴۲۸: ۱ / ۱۷۸)

برخی دیگر از طرفداران این قرائت به سخن «ابوعمر» استناد کرده‌اند که گفته است: «ما كان باليد فهو غَرَفَةً - بالفتح - و ما كان بإناء فهو غُرْفَةً - بالضم» (ر.ک: حاشیه: فارسی، ۱۴۱۳: ۲ / ۳۵۱؛ ابن خالویه، ۱۴۲۱: ۹۹؛ ابن زنجله، ۱۴۰۲: ۱۴۰) یعنی اگر آب با دست برگرفته شود به آن «غَرَفَةً» گفته می‌شود، ولی آنچه با ظرف برگرفته شود به آن «غُرْفَةً» گفته می‌شود.

دیدگاه مفسران

۱. دیدگاه حرّالی اندلسی در تفسیر آیه

ابوالحسن علی بن احمد حرّالی مراکشی (۶۳۸ ق) معروف به حرّالی از مفسران اندلس است. او از جهت کلامی اشعری و از جهت فقهی مالکی مذهب است. (ر.ک: زبیدی، ۱۴۱۴: ذیل ماده «حرل»؛ حرّالی، ۱۴۱۸: ۴) هر چند که تفسیر کامل او باقی نمانده است ولی تفسیر او که آینه‌ای از گرایش‌های عرفانی اوست از تراث اندلس و نشان‌دهنده بخشی از جریان‌های فکری موجود در میان مسلمانان اندلس در سال‌های حیات او؛ یعنی قرن هفتم هجری قمری است. حرّالی، در تفسیر قرآن کریم، کتاب *مفتاح الباب المقفل لفهم القرآن المنزل* در اصول و قواعد تفسیر و کتاب *عمود المفتاح* در تکمیل مفتاح و نیز کتاب *التوشیه و التوفیه* را نگاشته است. نوشته‌های حرّالی در عصر حکومت «موحدون» در اندلس تولید شده است. (ر.ک: مراکشی، ۱۳۹۰: ۴۴) تفسیر سوره‌های حمد، بقره و آل عمران - تا آیه ۶۲ - اخیراً بازسازی شده است.

حرّالی، نخست به اختلاف قرائت موجود در این آیه اشاره کرده است و بر آن است که فتح غین در «غرفة» فارغ از میزان برگرفتن آب به معنای یک‌بار برگرفتن است؛ یعنی چه آبی که برگرفته شده کم باشد و چه زیاد باشد، اگر فقط یک‌بار آب برگرفته شود به آن «غرفة» گویند؛ در حالی که «غرفة» اشاره به آن چیزی است که در دست قرار می‌گیرد. همچنین «الغرف» با فتحه غین به معنای با تمام دست گرفتن است. الغرفة بر وزن الفعلة به یک مرتبه انجام دادن فعل دلالت می‌کند، در حالی که «الغرف» با رفع غین اسمی است که بر آب دلالت می‌کند. (ر.ک: حرّالی، ۱۴۱۸: ۴۳۲ - ۴۳۱)

او سپس به آزمایش سربازان طالوت می‌پردازد و توضیح می‌دهد که هرچند این آزمایش، سربازان را در ظاهر به سه گروه تقسیم کرد: ۱. «گروهی که به هیچ وجه آبی نوشیدند و ثابت قدم ماندند؛ زیرا باور داشتند که خداوند را ملاقات خواهند کرد». ۲. «گروهی که از آن رود نوشیدند» و این گروه همان کسانی هستند که در آزمایش شکست خوردند و از جهاد در راه خدا بازماندند. ۳. «کسانی که تنها یک‌بار آن‌هم با کف یک‌دست از آن رود آب نوشیدند»، اما گروه سوم کسانی بودند که در آغاز ثابت قدم بودند و در پی متزلزل شدن‌شان توسط گروه نخست که به هیچ وجه از آب آن رود نوشیده بودند مجدداً به ثبات قدم در راه خدا تشویق شدند و نیز از عمل خود توبه کردند (ر.ک: همان، ۴۳۲). بنابراین در چنین تعبیری، جمعی که سیراب نشدند و تنها یک مرتبه آب برداشتند آن‌هم با کف یک‌دست (با اشاره به مفرد بودن کلمه «ید»)، همچنان از پیروان حقیقی طالوت محسوب می‌شدند. لذا سربازان طالوت دو طائفه می‌شوند: یکی آنهایی که از طالوت بودند و دوم آنهایی که از او بیگانه بودند.

او پس از این دسته‌بندی توضیح می‌دهد که داستان‌های قرآن کریم به‌خصوص آنهایی که درباره بنی‌اسرائیل است، مثالی برای امت اسلامی است. او برای انطباق داستان آزمایش سربازان طالوت با امت اسلامی بر آن است که اگر قوم بنی‌اسرائیل و سربازان طالوت با رود آزمایش شدند، امت اسلامی نیز با دنیا طلبی آزمایش می‌شوند؛ یعنی اموال، سرزمین‌ها و زراعت‌های مردم و به‌طور کلی هر آنچه در جریان غزوه‌ها و جنگ‌ها بر سر راه سربازان مسلمان قرار می‌گیرد، مصداق همان رودی است که سربازان طالوت با آن مواجه شدند. (ر.ک: همان، ۴۳۲) بنابراین بر پایه دیدگاه حرّالی اگر در جریان جهاد، اموال مردم به‌دست مسلمانان جهادگر برسد و خداوند اجازه تصرف در آن اموال را نداده باشد، آنگاه آن اموال از دسترس سربازان خارج می‌شود و به مانند آن رود است و اگر کسی به آن اموال دست درازی کند از صف جهادگران خارج می‌شود؛ به‌بیان دیگر او معتقد است اگر غنیمتی از رهگذر جهاد به‌دست جهادگران بیاید که ضرورتی برای آنان ندارد، از آن پرهیز می‌کنند؛ زیرا او ملاک تدین را در دین اسلام، زهد قلبی و پرهیزکاری در تناول دستاوردها می‌داند. (ر.ک: همان، ۴۳۳) چنان‌که بر سبیل این تمثیل برترین سربازان و جهادگران نزد حرّالی کسانی هستند که دارای ورع باشند.

حرّالی، همچنین از مفرد بودن کلمه «ید» در عبارت «إِلَّا مَنْ اعْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ» ضمن دریافتی صوفیانه؛ تعبیر مفرد «ید» را اشاره به ضرورت قناعت در امور دنیا و پرهیز از حرص و اکتفاء به حداقل دانسته است. توضیح آنکه از منظر او اشاره آیه به غرّفه دست راست است؛ زیرا «ید» به‌طور خاص به‌دست راست اطلاق می‌شود و اگر در آیه از لفظ مفرد؛ یعنی «ید» به‌جای «یدان» استفاده شده است، به این جهت است که دو دست مشتمل بر خیر و شر است و بنابراین آنچه لزوماً باید از دنیا برگرفته شود تنها به‌دست راست (یعنی خیرات) است. (ر.ک: همان)

۲. دیدگاه علامه طباطبایی در تفسیر آیه

علامه طباطبایی (۱۴۰۲ق)، از جمله مفسران شیعی است. او دارای روش تفسیر قرآن با قرآن است (ر.ک: معرفت، ۱۴۱۸: ۲ / ۴۷۲) و از سیاق آیات در تفسیر خود (= المیزان فی تفسیر القرآن) بهره می‌برد. او که از نگاهی فلسفی برخوردار است، بدون اشاره به اختلاف قرائت موجود در آیه و البته مبتنی بر قرائت حفص از عاصم (غرّفه) و استفاده از سیاق آیات و مقایسه آنها بایکدیگر به این نتیجه دست‌یافته است که استثناء موجود در عبارت «إِلَّا مَنْ اعْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ» از مطلق نوشیدن به‌معنای آن است که سربازان از نوشیدن بر حالت خاص نهی شدند. (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲ / ۲۹۲)

توضیح آنکه در بخش مورد بحث از آیه؛ یعنی «... إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنْ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ...» ترتیب خاصی در چینش قسمت‌های گوناگون آن وجود دارد و از چند کلمه خاص استفاده شده است. این قسمت‌ها عبارت‌اند از: ۱. «فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي» ۲. «وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي» ۳. «إِلَّا مَنْ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ» و آن کلمات خاص عبارت‌اند از: ۱. «شَرِبَ» در قسمت نخست. ۲. «يَطْعَمْهُ» در بخش دوم و ۳. «اعْتَرَفَ» در بخش سوم، که هر کدام به جای «شَرِبَ» در بخش نخست استفاده شده‌اند. علامه طباطبایی با توجه به این ساختار چند نکته را ذیل این آیه تبیین می‌کند:

نخست آنکه اگر به‌جای ترتیب حاضر، قسمت دوم با قسمت سوم جابجا می‌شد و «شَرِبَ» در قسمت نخست به «يَطْعَمْهُ» در بخش دوم تغییر پیدا نمی‌کرد؛ یعنی به‌صورت: «فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي، اَلَا مَنْ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ وَ مَنْ لَمْ يَشْرِبْ فَانَّهُ مِنِّي» می‌بود، آنگاه معنای آیه چنین بود که تمامی سربازان طالوت از پیروان او بودند و فقط یک گروه از میان آنها استثناء شده بود و از او بیگانه و جدا شدند و آنها کسانی بودند که آب نوشیدند و از این عده جمعی که سیراب نشدند و تنها مثنی آب برداشتند همچنان از پیروان حقیقی طالوت محسوب می‌شدند. بنابراین در چنین تعبیری سربازان طالوت دو طائفه می‌شوند، یکی آنهایی که از طالوت بودند و دوم آنهایی که از او بیگانه بودند. در حالی که مقصود آیه مطلب دیگری است. علامه طباطبایی بر آن است که ترتیب حاضر و تغییر کلمات نشان می‌دهد که سربازان طالوت به واسطه این آزمایش به سه طائفه تقسیم شدند: نخست گروهی بودند که به هیچ وجه از آب رود نوشیدند. دوم گروهی که از آب رود نوشیدند و سیراب شدند که از جمع پیروان طالوت خارج شدند. سوم گروهی که آب برداشتند (هرچند نه به حدّ سیراب شدن) و آنان نه از طالوت بودند و نه از جمع پیروان او خارج شدند بلکه با آزمایشی دیگر وضعیتشان روشن می‌شود. (ر.ک: همان)

نتیجه

اختلاف قرائت‌ها، منجر به تنوع برداشت از این آیه شده است. به‌گونه‌ای که؛ حرّالی، با ترجیح قرائت «غُرْفَةً»، آن را به‌معنای یک‌مرتبه و تنها یک کف دست آب نوشیدن دانسته، از این‌رو از دیدگاه او، جمعی که سیراب نشده و تنها مثنی آب برداشتند (گروه سوم) همچنان از پیروان حقیقی طالوت محسوب می‌شوند. بنابراین؛ سربازان طالوت دو طائفه خواهند بود: یکی آنهایی که از طالوت بودند و دوم آنهایی که از او بیگانه بودند. درحالی که علامه طباطبایی با ترجیح قرائت «غُرْفَةً» به رفع غین، آن را به‌معنای مطلق نوشیدن آب

ولو نه در حد سیراب شدن) دانسته از این رو سربازان طالوت را در سه طائفه قابل تقسیم می‌داند: نخست گروهی که به هیچ وجه از آب رود نوشیدند؛ دوم گروهی که از آب رود نوشیدند و سیراب شدند که از جمع پیروان طالوت خارج شدند و سوم گروهی که آب نوشیدند (هرچند نه به حد سیراب شدن) و آنان نه از طالوت بودند و نه از جمع پیروان او خارج شدند بلکه با آزمایشی دیگر وضعیتشان روشن می‌شود. عمق و برتری نظر علامه طباطبایی در این بین غیر قابل انکار است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، ۱۴۱۵ ق، تهران، دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
- ابن ابی مریم، نصر بن علی، ۱۴۲۸ ق، *الکتاب الموضح فی وجوه القراءات و عللها*، تصحیح ولید بن رجب عجمی، تحقیق عبدالرحمن ابراهیم بدر، طنطا، دار الصحابة للتراث.
- ابن خالویه، حسین بن احمد، ۱۴۲۱ ق، *الحجة فی القراءات السبع*، تحقیق عبدالعال سالم مکرم، بیروت، مؤسسه الرساله.
- ابن درید، محمد بن حسن، ۱۹۸۸ م، *جمهرة اللغة*، بیروت، دار العلم للملایین.
- ابن زنجله، ابوزرعة عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۱۸ ق، *حجة القراءات*، تحقیق سعید الافغانی، بیروت، مؤسسه الرساله، ج ۵.
- ابن سکیت، یعقوب بن اسحق السکّیت، بی تا، *اصلاح المنطق*، شرح و تحقیق احمد محمد شاکر، عبدالسلام محمد هارون، مصر، دار المعارف.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل، ۱۴۲۱ ق، *المحکم و المحيط الاعظم*، تحقیق عبدالحمید هنداوای، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ ق، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن مجاهد، ابوبکر، ۱۴۰۰ ق، *کتاب السبعة فی القراءات*، تحقیق شوقی ضیف، مصر، دار المعارف.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر، ج ۳.
- ازهری، محمد بن احمد، ۱۴۲۰ ق، *معانی القراءات*، تحقیق احمد فرید مزیدی، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ازهری، محمد بن احمد، ۱۴۲۱ ق، *تهذیب اللغة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

- تحليل تفسيري آيه «مَنْ اعْتَرَفَ عُرْفَةً بِيَدِهِ» از دیدگاه علامه طباطبایی و حرالی اندلسی ... □ ۱۲۳
- اهوازی، حسن بن علی، ۲۰۰۲ م، *الوجيز في شرح قرائات القراءة الثمانية أئمة الامصار الخمسة*، بيروت، دار الغرب الاسلامی.
- جزری، محمد بن محمد، بی تا، *النشر في القراءات العشر*، تصحيح علی محمد ضباع، بيروت، دار الكتب العلمية.
- جوهری، اسماعيل بن حماد، ۱۳۷۶ ق، *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية*، تحقيق احمد عبدالغفور عطار، بيروت، دار العلم للملايين.
- حرالی اندلسی، علی بن احمد، ۱۴۱۸ ق، *نصوص من تفسيره المفقود*، بی جا، بی نا.
- حمیری، نشوان بن سعيد، ۱۴۲۰ ق، *شمس العلوم و دواء كلام العرب من الكلوم*، تحقيق مطهر بن علی ارياني، يوسف محمد عبدالله، حسين بن عبدالله عمري، دمشق، دار الفكر.
- راغب اصفهانی، حسين بن محمد، ۱۴۱۲ ق، *مفردات الفاظ القرآن*، بيروت، دار القلم.
- صاحب بن عباد، اسماعيل، ۱۴۱۴ ق، *المحيط في اللغة*، تحقيق محمد حسن آل ياسين، بيروت، عالم الكتب.
- طباطبایی، سيد محمد حسين، ۱۳۹۰ ق، *الميزان في تفسير القرآن*، بيروت، مؤسسة الاعلمی، ج ۲.
- عسكري، حسن بن عبدالله، ۱۴۰۰ ق، *الفروق في اللغة*، بيروت، دار الافاق الجديدة.
- فارسی، حسن بن احمد، ۱۴۱۳ ق، *الحجة للقراء السبعة*، تصحيح عبدالعزيز رباح و احمد يوسف دقاق، تحقيق بدرالدين قهوجی و بشير جويجاتی، بيروت، دار المأمون للتراث.
- فراهیدی، خليل بن احمد، ۱۴۰۹ ق، *كتاب العين*، قم، هجرت، ج ۲.
- مراکشی، عبدالواحد بن علی، ۱۳۹۰ ق، *المعجب في تلخيص اخبار المغرب*، ترجمه محمدرضا شهیدی، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، ۱۴۱۴ ق، *تاج العروس من جواهر القاموس*، تصحيح و تحقيق علی شیری، بيروت، دار الفكر.
- معرفت، محمد هادی، ۱۴۱۸ ق، *التفسير و المفسرون في ثوبه القشيب*، مشهد، الجامعة الرضوية للعلوم الاسلامية.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۱ ق، *تفسير نمونه*، تهران، دار الكتب الاسلامية، ج ۱۰.
- مکی بن حموش، ۱۴۰۷ ق، *الكشف عن وجوه القراءات السبع و عللها و حججها*، تحقيق محیی الدين رمضان، بيروت، مؤسسة الرسالة.

